

## آثار تربیتی اعتقاد به معاد از منظر داستانهای قرآن

حمید محمد قاسمی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

### آثار تربیتی اعتقاد به معاد

همه عقاید دینی در رفتار انسان مؤثر است؛ هر چند تأثیر آنها یکسان نیست. از میان عقاید دینی، اعتقاد به رستاخیز و معاد یکی از نافذترین و مؤثرترین باورها در جهت دادن به رفتار آدمی و تربیت و اصلاح اوست. چنین عقیده‌ای نقش شایانی در پرورش روح انسان دارد و آثار تربیتی شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی او به ارمغان می‌آورد، که در اینجا به برخی از این آثار - و آن هم تنها از منظر داستانهای قرآن - اشاره می‌کنیم.

### ۱- اصلاح نگرش انسان به دنیا و بی‌اعتنایی به جلوه‌های فریبنده آن

اعتقاد به معاد، نگرش انسان را به دنیا تغییر داده، دنیا را برای انسان به عنوان ابزاری در جهت نیل به اهداف والای انسانی و رسیدن به یک زندگی جاوید و همیشگی قرار می‌دهد.

بر اساس جهان‌بینی توحیدی دنیا برای انسان آفریده شده و نه انسان برای دنیا، و شخصیت انسانی بسیار والاتر و گران‌بها تر از آن است که بخواهد خود را به متاع دنیا و جلوه‌های فریبنده آن بفروشد.

اعتقاد به معاد، بینش انسان را به عالم هستی وسعت می‌بخشد و او را از تنگنای دنیا به فراخنای جهان باقی پیوند می‌دهد، و همت او را بلندمرتبه‌تر از آن می‌گرداند که بخواهد به تعلقات دنیوی و مادی‌خشنود شود و بدان رضایت دهد. آری مؤمنان راستین، این حقیقت را به خوبی دریافته‌اند که کتاب زندگانی بشر سرفصلهای بی‌شماری دارد، که چند بخش از آن در حیات دنیا حاصل گردیده، اما فصلهای مهم و تماشایی آن پس از مرگ و ظهور قیامت آغاز می‌شود. ژان ژاک روسو در یکی از پنندهای حکیمانه خود به فرزندش امیل می‌گوید:

«من که می‌دانم فناپذیر هستم چرا در این جهان برای خود بستگیهایی ایجاد کنم؟ در این جهان که همه چیز تغییر می‌کند، همه چیز می‌گذرد و خود من هم به زودی نابود می‌شوم، دلبستگی به چه دردم می‌خورد؟...»

پس اگر می‌خواهی خوشبخت و عاقل زندگی کنی قلب خود را فقط به زیباییهای فناپذیر وابسته نما، سعی کن خواسته‌هایت محدود و وظیفه‌ات مقدّم بر همه چیز باشد، فقط چیزهایی را طلب کن که با قانون اخلاق مغایر نباشد، به خودت عادت بده که همه چیز را بدون ناراحتی از دست بدهی و بدون اجازه وجدان هیچ چیز را قبول ننما، در این صورت حتماً خوشبخت خواهی شد و به هیچ یک از چیزهای زمینی دلبستگی شدید پیدا نخواهی کرد»<sup>۱</sup>.

قرآن کریم در قالب داستانهای خود تابلوهایی زیبا ترسیم نموده که در آنها عظمت انسانهای بلندهمتّی را به تصویر کشیده که هیچ گاه در برابر تمنّیات و تعلّقات دنیوی زانو نزدند، و فریفته جلوه‌های فریبای دنیا نشدند؛ از جمله:

۱- ساحران فرعون، همانان که پاداشهای مادی فرعون و سکنا گزیدن در جوار او تمام آمال و آرزوهای آنان را تشکیل می‌داد، به ناگاه ایمان به خدا چنان تحوّلی در روح و جان آنها ایجاد کرد که تمام دنیا و جلوه‌های زودگذر آن در پیش چشمشان خوار و خفیف به نظر می‌رسید و از این‌رو در برابر تهدیدهای فرعون به قتل، قاطعانه می‌گویند:

«هیچ مانعی ندارد و هیچ‌گونه زبانی از این کار به ما نخواهد رسید، هر کار می‌خواهی بکن، ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم».

﴿قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ﴾<sup>۲</sup>.

تو با این کار نه تنها چیزی از ما کم نمی‌کنی، بلکه ما را به لقای معشوق حقیقی و معبود واقعی می‌رسانی. آن روز این تهدیدها در ما اثر می‌گذاشت که ما خویشان را نمی‌شناختیم، با خدای خود آشنا نبودیم و راه حق را گم کرده و در بیابان زندگی سرگردان بودیم، اما امروز گم شده خود را یافته‌ایم، هر کار می‌توانی بکن!<sup>۳</sup>

آری، ایمان به خدا و اعتقاد به حیات جاودان و اندیشه رجوع به پیشگاه حق، آنان را چنان منقلب ساخته بود، که دیگر مرگ در نظر آنان فنا نبود، بلکه وسیله‌ای بود برای حضور یافتن نزد محبوب.

ایمان به معاد، چهره وحشت‌انگیز مرگ را که همیشه به صورت کابوسی بر افکار انسانها سنگینی داشته و آرامش را از آنها سلب کرده دگرگون می‌سازد و آن را از مفهوم فنا و نیستی به دریچه‌ای به سوی جهان بقا تغییر می‌دهد.<sup>۴</sup>

گفت حمزه چون که من بودم جوان  
مرگ می‌دیدم وداع این جهان  
سوی مردن کس به رغبت کی رود  
پیش ازدها برهنه کی شود  
لیک از نور محمّد من کنون  
نیستم این شهر فانی را زبون

۱- امیل، ص ۵۴۷.

۲- شعراء / ۵۰.

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۲۳۱.

۴- پیام قرآن، ج ۵، ص ۱۸.

آن که مردن پیش چشمش تَهْلُکَه‌ست  
امر «لا تُلقوا» بگیرد او به دست  
و آن که مردن پیش او شد فتح باب

«سارعوا» آید مر او را در خطاب<sup>۱</sup>  
۲- همسر فرعون نیز با آنکه غرق در یک  
زندگی مرفه و تجملاتی بود، اما زرق و برق  
دستگاه فرعونیی او را نفریفت و او که دلش به نور  
ایمان روشن بود، از تمام تعلقات دنیوی دست  
شست و از تنگنای آن قصرها به فراخنای بهشت  
چشم گشود و چنین دعا کرد و گفت:

«پروردگار من، خانه‌ای برایم در جوار قربت  
در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کارهایش  
رهایی بخش».

﴿رَبِّ اَبْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ  
فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ﴾<sup>۲</sup>

آری «همسر فرعون جوار رحمت  
پروردگارش را خواسته، خواسته است تا با خدا  
نزدیک باشد و این نزدیکی با خدا را بر نزدیکی با  
فرعون ترجیح داده، با اینکه نزدیکی به فرعون  
همه لذات را در پی داشته، در دربار او آنچه را که  
دل آرزو می‌کرده یافت می‌شده و حتی آنچه که  
آرزوی یک انسان بدان نمی‌رسیده، در آنجا یافت  
می‌شده، پس معلوم می‌شود همسر فرعون چشم  
از تمامی لذات زندگی دنیا دوخته بود، آن هم نه  
به خاطر اینکه دستش به آنها نمی‌رسیده، بلکه در  
عین اینکه همه لذات برایش فراهم بوده، مع  
ذلک از آنها چشم پوشیده و به کراماتی که نزد  
خداست و به قرب خدا دل بسته بود و به غیب

ایمان آورده و در برابر ایمان خود استقامت  
ورزیده تا از دنیا رفته است»<sup>۳</sup>.

## ۲- کنترل غرایز و شهوات

تا زمانی که انسان در این دنیا استقرار دارد  
دلش از تمنّا و خواهشها باز نمی‌ایستد، اما وقتی  
در پرتو ایمان به غیب و اعتقاد به سرای باقی  
دریافت که فرصت دنیا بسیار محدود و بهره آن  
نیز بسی ناچیز است، و حتی در قلمرویی که به  
دست می‌آید نمی‌توان آن را برای همیشه حفظ  
کرد و خوشیها و لذایذ واقعی نیز در همین ایام  
کوتاه خلاصه نمی‌شود، دیگر نه هر دم امواج  
خواسته‌های بی‌پایان بر دلش استیلا می‌یابد که  
خود را به همه چیز وابسته کند و موجب انهدام  
خویشترن گردد و نه از اینکه بیش از حد از نعمتها  
و ثروتهای دنیا برخوردار نشده، آزرده خاطر  
می‌شود.

«در زندگی دنیا هم آرزوهای بلند و هم  
یأسهای عمیق در کمین انسان نشسته‌اند و هر دو  
کشنده‌اند و هر دو تهدیدکننده زندگی‌اند، و آنچه  
هر دو را در بند می‌کند، یاد مرگ است. یاد مرگ  
هم بر «آمال» و هم بر «آلام» که هر دو بی‌حد جلوه  
می‌کنند، حد می‌زند و آنها را آن‌چنان که هستند  
کوچک نشان می‌دهد و تاب و طاقت آدمی را

۱- مثنوی معنوی، دفتر سوم.

۲- تحریم / ۱۱.

۳- تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۶۹۵.

افزایش می‌دهد و او را بر ادامه زندگی قادر می‌سازد»<sup>۱</sup>.

امیر مؤمنان علی علیه السلام یاد مرگ را اصلاحگر انسان و تربیت‌کننده روح بشر می‌خواند و می‌فرماید:

«الافاذکروا هادم اللذات و منغص الشهوات و قاطع الامنیات عند المساورة لبالاعمال القبیحة»<sup>۲</sup>.

به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نساودکننده لذتها و مکدرکننده شهوت و قطع‌کننده آرزوهاست به یاد آورید.

داستانهای قرآن نیز از این تأثیر نافذ و مؤثر ایمان به معاد حکایت دارند؛ از جمله:

۱- مؤمن آل فرعون قوم خود را که سخت فریفته دنیا بودند و همین امر آنها را به انواع ستمها و بیدادگریها آلوده ساخته بود، نصیحت کرده آنها را به ناپایداری زندگی دنیا و ابدی بودن سرای آخرت متوجه می‌سازد و می‌گوید:

«ای قوم من! (به این دنیا دل نبندید که) این زندگی دنیا متاع زودگذری است و آخرت سرای همیشگی و ابدی است».

﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾<sup>۳</sup>.

یعنی گیرم که با هزار مکر و فسون ما پیروز شویم و حق را پشت سر اندازیم، دست به انواع ظلم و ستم دراز کنیم، و دامان ما به خونهای بی‌گناهان آغشته شود، مگر عمر ما در این جهان چه اندازه خواهد بود؟ این چند روز عمر به

سرعت می‌گذرد و چنگال مرگ گریبان همه را می‌گیرد و از فراز قصرهای باشکوه به زیر خاک می‌کشانند. قرارگاه زندگی ما جای دیگر است.<sup>۴</sup>

آری، آنجا که آدمی می‌بیند به نسیمی دفتر ایامش بر هم می‌خورد و تمام اموالش در کمتر از ساعتی ناپود می‌شود و یا سیل، زلزله و صاعقه‌ای همه چیز را بر باد می‌دهد و سلامتی او نیز با گلوگیر شدن یک جرعه آب چنان به خطر می‌افتد که مرگ را با چشم خود می‌بیند، چه جای آن است که بخواهد به جلوه‌های فریبای دنیا و جاه و جلال آن مغرور شود، و سوار بر مرکب سرکش غرور صحنه اجتماع را جولانگاه خود قرار دهد.

۲- قرآن کریم از گروهی افراد با ایمان یاد می‌کند که در برابر انسانهای فریفته ثروت و آنان که جاه و جلال و زرق و برق زندگی قارون چشمانشان را خیره کرده بود و آرزوی لحظه‌ای زندگی همچون وی را در دل می‌پروراندند، می‌گفتند:

«وای بر شما! چه می‌گویید، ثواب و پاداش الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است».

۱ - نگاهی دوباره بر تربیت اسلامی، ص ۸۵

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۹۹.

۳ - مؤمن / ۳۹.

۴ - تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۰۶.

﴿وَيُلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾<sup>۱</sup>

آری ایمان به معاد چنان افق فکری آنها را وسعت بخشیده بود که به ثروت سرشار قارون و حشمت و جلال او به چشم تحقیر می نگریستند و این جلوه‌های فریبنده و زودگذر را در برابر ثواب و پاداش الهی هیچ می انگاشتند.

۳- حضرت شعیب رضی الله عنه در برابر قوم خود که در سنگلاخ شرک و بت پرستی سرگردان بودند و نه تنها بت که درهم و دینار و مال و ثروت خویش را هم می پرستیدند، و برای کسب و تجارت پر رونقشان به تقلب و کم فروشی و خلافکاریهای دیگری آلوده شده بودند، یاد قیامت را به آنها گوشزد می نماید و ایشان را از عذاب فراگیر الهی بیم می دهد، تا شاید به خود آیند و از مفاسد اقتصادی خود دست شویند:

﴿وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرِيكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾<sup>۲</sup>

«ای قوم من! ... پیمانانه و وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی زنید). من شما را در خیر و خوبی می بینم و از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم».

### ۳- شهامت و شجاعت

اعتقاد و باور به معاد چنان تحوّل عظیمی در روح و اندیشه انسان ایجاد می کند که نه تنها از فشارهایی که در طریق انجام مسئولیتها بر او وارد می آید رنجی نمی برد، بلکه از آن استقبال می کند

اعتقاد و باور به معاد چنان تحوّل عظیمی در روح و اندیشه انسان می کند که نه تنها از فشارهایی که در طریق انجام مسئولیتها بر او وارد می آید رنجی نمی برد، بلکه از آن استقبال می کند و همچون کوه در برابر حوادث می ایستد

و همچون کوه در برابر حوادث می ایستد و در برابر بی عدالتیها تسلیم نمی شود و مطمئن است کوچک ترین عمل نیک و بد، پاداش و کیفر دارد و بعد از مرگ به جهانی وسیع تر که خالی از هر گونه ظلم و ستم است انتقال می یابد و از رحمت و الطاف پروردگار بهره مند می شود.

به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست به گفته ویلیام جیمز:

«آدمی به این اعتقاد نیاز دارد که در ورای این عالم محسوس، عالم دیگری وجود دارد که غرق در معنویت است و همین اعتقاد است

۱- قصص / ۸۰

۲- هود / ۸۴

که سبب می‌گردد تا به افرادی که بدان پایبند هستند در برابر حوادث نیرو و قدرتی عظیم ارزانی دارد»<sup>۱</sup>.

و به راستی چه اعتقادی مانند این خواهد توانست تا در یورش سختیها و دگرگونیهای روزگار به انسان ثبات قدم بخشد و همچون لنگری مطمئن کشتی طوفان زده روح انسان را در حوادث و بلا یا از تلاطم باز دارد.<sup>۲</sup>

داستانهای قرآن نیز حکایتگر خوبی از شهامت‌ها و شجاعت‌های مردان خدا در پرتو اعتقاد به معاد هستند؛ از جمله:

۱- قرآن داستان گروهی از بنی اسرائیل را حکایت می‌کند که همراه «طالوت» (فرمانده الهی لشکرشان) برای مبارزه با «جالوت» که پادشاهی ستمگر بود، روانه میدان جنگ شده بودند. اما پس از یک امتحان سخت گروهی بازماندند و تنها اقلیتی پا به میدان جهاد گذاشتند. این اقلیت نیز به دو دسته تقسیم شدند؛ بعضی گرفتار وحشت و ترس گشتند و گفتند: «ما امروز قدرتی برای مبارزه با جالوت و لشکریانش نداریم».

اما در مقابل این گروه، کسانی که ایمانی راسخ به روز رستاخیز داشتند، به بقیه هشدار دادند که نباید به «کمیت» جمعیت نگاه کرد، بلکه باید «کیفیت» را در نظر گرفت؛ زیرا بسیار شده که یک جمعیت کم اما با ایمان و مصمم به فرمان خدا بر انبوه جمعیت دشمن پیروز شده‌اند:

﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمُ مِنْ فِئَةٍ

قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾<sup>۳</sup>  
آری کسی که مرگ را دریچه‌ای می‌داند به جهان ابدی، و می‌داند با مرگ، پرنده روحش از قفس تن آزاد شده و در آسمان بیکران پر می‌گشاید، نه تنها از مرگ و شهادت در راه هدف ترس و وحشتی به خود راه نمی‌دهد، بلکه به استقبال آن رفته، آن را عاشقانه در آغوش می‌کشد:

مرگ اگر مرد است گو نزد من آیی  
تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ  
من از او عمری ستانم جاودان

اوز من دلقی ستاند رنگ رنگ  
۲- ساحران فرعون نیز به تهدیدهای شدید فرعون به خاطر اظهار ایمانشان به خدای یگانه، وقعی نمی‌نهند و با صراحت به وی می‌گویند:  
«هر حکمی می‌خواهی بکن، تو تنها در این زندگی دنیا می‌توانی فرمان دهی، ولی ما به پروردگاران ایمان آورده‌ایم تا گناهان ما و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی ببخشد و خدا بهتر و باقی‌تر است».

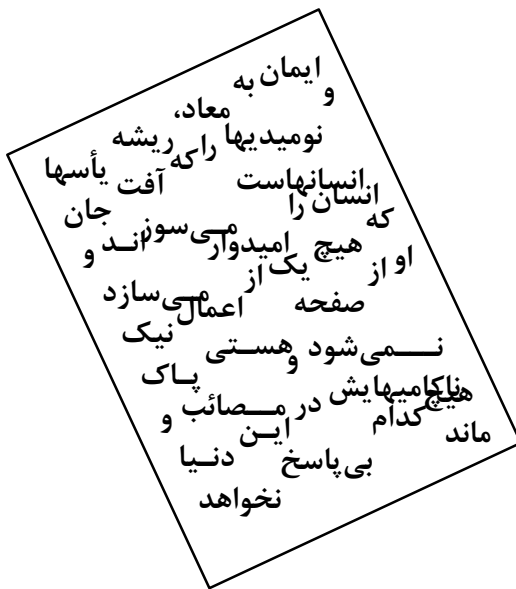
﴿فَأَقْضَ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ  
الدُّنْيَا﴾ إِنَّمَا بَرَبُّنَا لِيعْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا  
عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهِ خَيْرٌ وَأَبَىٰ﴾<sup>۴</sup>

۱ - ارادة الاعتقاد، ص ۱۳۱، به نقل از: سيكولوجية القصة في القرآن، ص ۳۵۵.

۲ - بنگرید به: تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۳۸۷.

۳ - بقره / ۲۴۹.

۴ - طه / ۷۲ و ۷۳.



آری، هنگامی که جرقه‌های ایمان به معاد به اعماق جان می‌رسد، آن را چنان شعله‌ور می‌سازد که دیگر هیچ تهدیدی در برابر آن کارگر نیست و هر چیز جز خدا و لقای آخرت و نعیم جاودانش در نظر انسان بی‌ارزش و ناچیز است.

همین ایمان نیرومند و شعله‌ور سبب شد که ساحران مادی زبون و چاپلوس دیروز، به انسانهای قوی و شجاع و پر استقامت امروز مبدل شوند<sup>۱</sup>.

۳ - یاد قیامت سبب می‌گردد تا نوح عَلَيْهِ السَّلَام تسلیم خواسته‌های اشراف و بهانه‌جویانی که خواهان طرد فقرا از اطراف وی بودند، نشود و با قاطعیت در برابر آنها ایستاده بگوید:

«من هرگز کسانی را که ایمان آورده‌اند طرد نمی‌کنم؛ چرا که آنها با پروردگار خویش ملاقات خواهند کرد».

﴿وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾<sup>۲</sup>

#### ۴ - دلگرمی و آرامش

انسان فطرتاً جوای سعادت خویش است، از تصوّر وصول به سعادت غرق در مسرت می‌گردد، و از فکر یک آینده شوم و مقرون به محرومیت لرزه بر اندامش می‌افتد و سخت دچار دلهره و اضطراب می‌گردد. آنچه مایه سعادت انسان می‌گردد دو چیز است: یکی تلاش و دیگری اطمینان به شرایط محیط.

موفقیت یک دانش‌آموز معلول دو چیز است: سعی و تلاش خودش، دیگری مساعدت و آمادگی محیط مدرسه و تشویق و ترغیب اولیای مدرسه. یک دانش‌آموز ساعی و کوشا، اگر به محیطی که در آنجا درس می‌خواند و معلمی که آخر سال نمره می‌دهد اعتماد نداشته باشد و نگران یک رفتار غیر عادلانه باشد، در تمام ایام سال دلهره و اضطراب سرپای وجودش را می‌گیرد.

تکلیف انسان با خودش روشن است. از این ناحیه اضطرابی دست نمی‌دهد؛ زیرا اضطراب از شک و تردید پدید می‌آید. انسان درباره آنچه مربوط به تلاش خودش است شک و تردید

۱ - پیام قرآن، ج ۵، ص ۳۹۳.

۲ - هود / ۲۹.

ندارد. آنچه که انسان را به اضطراب و نگرانی می‌کشاند و آدمی تکلیف خویش را درباره او روشن نمی‌بیند، جهان است.

آیا کار خوب فایده دارد؟ آیا صداقت و امانت بیهوده است؟ آیا همه تلاشها و انجام وظیفه‌ها پایان کار محرومیت است؟ اینجاست که دلهره و اضطراب در مهیب‌ترین شکلها رخ می‌نماید.<sup>۱</sup>

ایمان به معاد، ریشه یأسها و نومیدیه‌ها را که آفت جان انسانهاست می‌سوزاند و انسان را امیدوار می‌سازد که هیچ یک از اعمال نیک او از صفحه هستی پاک نمی‌شود و مصائب و ناکامیهایش در این دنیا هیچ کدام بی‌پاسخ نخواهد ماند.

از سوی دیگر یادآوری آن دادگاهی که عدالت محض بر آن حکمفرماست و صالح و طالح و ابرار و اشرار در آن به یک چشم نگریده نمی‌شوند، و هر کس را به مقتضای اعمالش ثواب یا عقاب می‌کنند، برای مؤمنان، آرامش خاطر و بهجتی وصف ناشدنی به ارمغان می‌آورد و آینده روشنی را به آنها نوید می‌دهد. در لابلای داستانه‌های قرآن نیز از این اثر تربیتی ایمان به معاد می‌توان نمونه‌هایی را سراغ گرفت؛ از جمله:

۱- لقمان حکیم، در اندرزهای حکمت‌آموز خود به فرزندش، انگشت بر همین موضوع می‌گذارد و به وی چنین توصیه می‌کند:

«پسر! اگر (اعمال نیک و بد) به اندازه

سنگینی دانه خردلی باشد و در دل صخره‌ای یا در گوشه‌ای از آسمان یا درون زمین جای گیرد، خداوند آن را در دادگاه قیامت حاضر می‌کند و حساب آن را می‌رسد، چرا که خداوند دقیق و آگاه است».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾<sup>۲</sup>

اشاره به اینکه اعمال نیک و بد هر قدر کوچک و کم ارزش، و هر قدر مخفی و پنهان باشد همانند خردلی که در درون سنگی در اعماق زمین یا در گوشه‌ای از آسمانها مخفی باشد، خداوند لطیف و خبیر که از تمام موجودات کوچک و بزرگ و صغیر و کبیر در سراسر عالم هستی آگاه است، آن را برای حساب و پاداش و کیفر حاضر می‌کند و چیزی در این دستگاه گم نمی‌شود.<sup>۳</sup>

قرآن کریم در قالب این تصویر بدیع و زیبا، علم و آگاهی الهی و حساب و کتاب دقیق قیامت را چنان روشن ترسیم نموده است که چشم‌انداز آن روح انسان را متأثر می‌سازد و درک حقیقت آن هر وجدان بیداری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به مراقبت نسبت به تک تک اعمالش

۱- انسان و ایمان، ص ۴۲.

۲- لقمان / ۱۶.

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۵۱.



فرامی خواند<sup>۱</sup>.

۲- در صحنه‌ای دیگر «مؤمن آل فرعون» را می‌بینیم که قوم خود را مخاطب قرار داده، می‌گوید:

«ای قوم من! ... هر کس عمل بدی انجام دهد فقط به اندازه آن به او کیفر داده می‌شود، اما کسی که عمل صالحی انجام دهد خواه مرد باشد یا زن در حالی که مؤمن باشد، وارد بهشت می‌شود و روزی بی‌حسابی به او داده خواهد شد.»

﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾<sup>۲</sup>

او در این سخن حسابشده‌اش از یک سو به عدالت خداوند در مورد مجرمان اشاره می‌کند که تنها به مقدار جرمشان جریمه می‌شوند، و از سوی دیگر اشاره به فضل بی‌انتهای او که در مقابل یک عمل صالح پاداش بی‌حساب به مؤمنان داده می‌شود و هیچ‌گونه موازنه‌ای در آن رعایت نخواهد شد؛ پاداشی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و حتی به فکر انسان خطور نکرده است.

به هر حال او با این سخن کوتاه خود این واقعیت را بیان می‌کند که متاع این جهان گرچه ناچیز است و ناپایدار، ولی می‌تواند وسیله رسیدن به پاداش بی‌حساب گردد و چه معامله‌ای از این پرسودتر<sup>۳</sup>.

## ۵- احساس مسئولیت و

### حالت آماده‌باش دائمی

یکی از آثار پربرکت اعتقاد به معاد، بیدارشدن احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی در عمق وجود انسانهاست، به گونه‌ای که تمام افکار و کردار آدمی را تحت شعاع قرار می‌دهد و او در مقابل هر کاری خود را موظف به پاسخگویی می‌داند.

از این رو کوتاه‌ترین لحظات عمر نیز ارزشی فوق‌العاده می‌یابد و انسان خود را همچون مسافری خواهد دانست که باید از فرصت‌ها بیشترین بهره را ببرد و رهتوشه آخرت را هر چه بیشتر و بهتر برگیرد.

«انسان مؤمن به حیات جاویدان، همواره کمال دقت را در اندیشه‌ها و خلق و خویها و اعمال و رفتار خویش به کار می‌برد؛ زیرا می‌داند که به اینها به چشم یک سلسله امور زودگذر نباید نگاه کرد، اینها همه پیش‌فرستاده‌های انسان به سرای دیگر است و در سرای دیگر با این سرمایه‌ها باید زندگی کند»<sup>۴</sup>.

بدین سان می‌توان دریافت که این اعتقاد ماتریالیست‌ها و هواداران آنها که می‌پندارند

۱- بنگرید به: تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۲۷۸۹.

۲- مؤمن / ۴۰.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۰۷ با تلخیص.

۴- زندگی جاوید یا حیات اخروی، ص ۳۶.

اعتقاد به حیات بازپسین سبب می‌شود تا قدرت تحرک و نشاط را از آدمی سلب نموده، او را به انزوای طلبی بکشاند، تا چه حد خام و پوچ است؛ زیرا همان‌گونه که گفتیم، ایمان به وجود دادگاهی که تمام اعمال انسان بی‌کم و کاست در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و هیچ راهی برای فرار از چنگال مجازات آن نیست، انسان را سخت تکان می‌دهد و روح خفته او را بیدار می‌کند و او را به وظیفه‌شناسی فرا می‌خواند و نه تنها او را به رخوت و سستی دعوت نمی‌کند، بلکه بر عکس روح تقوا و تعهد و احساس مسئولیت را در وی زنده می‌کند. جلوه‌هایی از این تأثیر شگرف اعتقاد به معاد را می‌توان در میان داستانهای قرآن سراغ گرفت؛ از جمله:

۱ - خداوند متعال پس از آنکه موسی عَلَيْهِ السَّلَام را از ورای شجره طور (طوی) با ندای روح‌پرور خود مورد خطاب قرار داده، او را به مقام رسالت مفتخر نمود، پس از یاد کرد «توحید» به سراغ مسئله «معاد» رفته می‌فرماید:

«رستاخیز به طور قطع خواهد آمد، من می‌خواهم آن را پنهان کنم تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود جزا ببیند».

﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ﴾<sup>۱</sup>

منخفی نگاه داشتن زمان قیامت نقش مؤثری در اصلاح و تربیت انسان ایفا می‌کند و او را به تلاش و جدیت وا می‌دارد، چرا که اگر همه چیز برای انسان مکشوف بود زندگی انسانها را با

خمودی مواجه می‌ساخت و جلوی نشاط و تحرک آنها را می‌گرفت. آری در پرتو این مجهول بودن است که بیم و امید و اشتیاق و انتظار و تلاش و کارزار، و به هر حال سایر ابعاد یک زندگی زنده و پویا، معنی و مفهوم می‌یابد، و مخفی بودن زمان تحقق آن روز عظیم است که انسان را در حالت آماده‌باش دائمی نگاه داشته و روح تقوا و پرهیز از معاصی را در نهاد وی زنده نگاه می‌دارد.<sup>۲</sup>

۲ - در صحنه‌ای دیگر می‌بینیم خداوند بنی‌اسرائیل را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«حال که فرعونیان را غرق نمودیم، به دنبال این نجات بزرگ) در این سرزمین سکونت نمایید، اما بدانید هنگامی که وعده آخرت فرارسد همه شما را به پای میزان حساب حاضر خواهیم کرد».

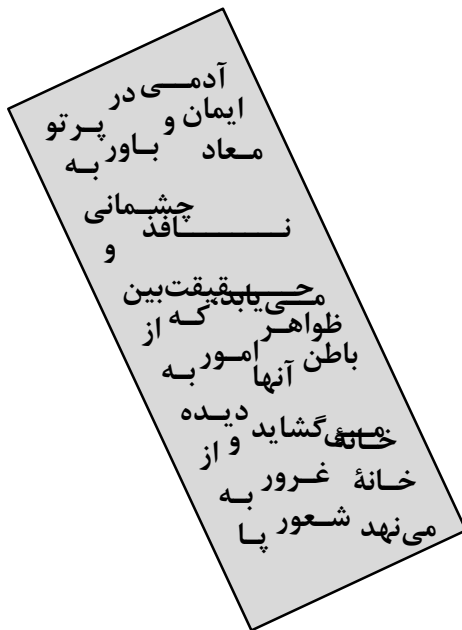
﴿وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا﴾<sup>۳</sup>

یعنی حال که وارث سرزمین و اموال فرعونیان شده‌اید و خداوند شما را جایگزین آنها نمود باید بدانید مسئولیت خطیری بر دوش شما گذارده شده که به ازای آن در قیامت از شما سؤال خواهد شد؛ پس نیک بنگرید که چگونه وارثانی

۱ - طه / ۱۵.

۲ - بنگرید به: تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۳۳۱.

۳ - اسراء / ۱۰۴.



هستید و از خود نیز چه به ارث می‌گذارید!

۳ - «مؤمن آل یاسین» هم قوم خود را به مسئله معاد و بازگشت به سوی خدا و لزوم آمادگی برای آن روز فرا می‌خواند و می‌گوید:

«من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده است؟ و همگی به سوی او بازگشت می‌کنید».

﴿وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾<sup>۱</sup>

در حقیقت این مرد الهی در کلام خود دو دلیل برای لزوم عبودیت پروردگار ذکر کرده: نخست اینکه او خالق ماست و تمام هستی ما و علم و دانش و قدرت ما همه از اوست و دیگر اینکه جهان دیگری در پیش است که همه به آن می‌پیوندند و به سوی خدا و دادگاه عدلش باز می‌گردند.<sup>۲</sup>

لذا ایمان به معاد می‌تواند ضامن اجرایی خوبی برای عمل به تکالیف و احکام الهی باشد و روح تسلیم و عبودیت را بر وجود آدمی حاکم سازد.

## ۶- عبرت آموزی

یکی دیگر از میوه‌های شیرین و ثمرات نیکوی درخت پربار ایمان به معاد، عبرت‌آموزی از تاریخ گذشتگان و پندآموزی از فراز و نشیب زندگی است.

آدمی در پرتو ایمان و باور به معاد چشمانی نافذ و حقیقت‌بین می‌یابد، که از ظواهر امور به

باطن آنها دیده می‌گشاید و از خانه غرور به خانه شعور پا می‌نهد.

تحوّلات دنیا، دگرگونی‌های روزگار، آمدنها و رفتنها همه و همه آینه‌های تمام‌نمایی هستند که به خوبی ناپایداری این دنیا و جلوه‌های فریبای آن را نشان می‌دهند و انسان را از دل‌بستن به دنیا و فرو رفتن در گرداب غفلت بر حذر می‌دارند، به شرط آنکه انسان تنها تماشاگر حوادث نباشد، بلکه از مدرسه روزگار، درس عبرت آموزد و خود را برای دانشگاه قیامت مهیا سازد:

۱- یس / ۲۲.

۲- پیام قرآن، ج ۵، ص ۳۹۱.

ای خوشا چشمی که عبرت‌بین بود  
عبرت از نیک و بدش آیین بود  
امیر مؤمنان علی‌علیه‌السلام در سفارش به  
پندپذیری از تاریخ می‌فرماید:

«اگر راهی برای زندگی جاودانه وجود  
می‌داشت، یا از مرگ‌گریزی بود، حتماً  
سلیمان بن داود علیه‌السلام چنین می‌کرد، او که  
خداوند حکومت بر جن و انس را همراه با  
نبوت و مقام بلند قرب و منزلت، در اختیارش  
قرار داد. اما آن‌گاه که پیمانۀ عمرش لبریز و  
روزی او تمام شد تیرهای مرگ از کمانهای  
نیستی بر او باریدن گرفت و خانه و دیار از او  
خالی گشت، خانه‌های او بی‌صاحب ماند و  
دیگران آنها را به ارث بردند.

مردم! برای شما در تاریخ گذشته درسهای  
عبرت فراوان وجود دارد، کجایند عمالقه و  
فرزندانشان؟ کجایند فرعونها و فرزندانشان؟  
کجایند مردم شهر رس، آنها که پیامبران خدا  
را کشتند و چراغ نورانی سنت آنها را خاموش  
کردند و راه و رسم ستمگران و جباران رازنده  
ساختند؟»<sup>۱</sup>

قرآن کریم پس از بیان سرگذشت دردناک قوم  
نوح و عاد و ثمود و قوم شعیب و قوم لوط و  
سرگذشت فرعونیان، ماجرای آنها را درس عبرتی  
می‌داند برای همه کسانی که از عذاب آخرت در  
ترس و بیم به سر می‌برند، و پشتشان از

شنیدن حوادث هولناک قیامت می‌لرزد؛ آنجا که  
می‌فرماید:

«در این (سرگذشتهای عبرت‌انگیز و حوادث  
شوم و دردناکی که بر گذشتگان رفت) علامت  
و نشانه‌ای است برای کسانی که از عذاب  
آخرت می‌ترسند؛ همان روزی که همه مردم  
در آن گرد می‌آیند.»

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَن خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ  
ذَلِكَ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لَهُ النَّاسُ﴾<sup>۲</sup>

آری آنها که به رستخیز ایمان دارند، با دیدن  
هر یک از این نمونه‌ها و سرنوشت شومی که  
چنین اقوامی بدان گرفتار آمدند، دل‌هایشان تکان  
می‌خورد، و از ماجرای آنها عبرت می‌گیرند و راه  
خود را باز می‌یابند و دامان خود را به گناهانی که  
آنها بدان آلوده شدند نمی‌آلایند.

اما آنها که ایمانی به قیامت ندارند، دریچه  
دل‌هایشان بر واقعتهای زندگی بسته شده، تنها  
سر در آخور زندگی دارند و از آخرت غافل‌اند. از  
این رو از کنار تمامی حوادث و تحولات زندگی  
به سادگی می‌گذرند و دل‌های سنگ و سختشان از  
مواعظ و عبرتهای فراوان عالم هیچ تأثیر  
نمی‌پذیرد:

هر که آخرین بود او مؤمن است

هر که آخوریین بود او بیدن است

①

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۲- هود / ۱۰۳.